روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee.irani

نگاهی به نمایشنامه «ریچارد دوم» شکسپیر که در ایران جدی گرفته نمی‌شود

مرده‌ای غمگین با موسیقی می‌رقصد

سید حسین رسولی

ویلیام شکسپیر انگلیسی بدون شک تاثیرگذارترین نمایشنامه‌نویس دوران رنسانس است که البته جایگاهش با حضور نویسندگان مدرنی چون هنریک ایبسن، آنتون چخوف، برتولت برشت و ساموئل بکت متزلزل نشد. شکسپیر معمولا با آثاری چون «هملت»، «مکبث»، «شاه‌لیر»، «اتللو»، «ریچارد سوم»، «رومئو و ژولیت» و کمدی‌هایی چون «هر آنچه دل‌خواه شماست» و «رویای شب نیمه تابستان» به زندگی تئاتری خود روی صحنه ادامه می‌دهد ولی او کارهای خاص دیگری هم دارد که به هیچ عنوان مورد توجه تئاتری‌ها به طور ویژه در ایران قرار نگرفته است. اسلاوی ژیژک، فیلسوف، روانکاو و منتقد فرهنگی معاصر در مصاحبه‌ای که درباره نمایشنامه‌های محبوبش داشته است اشاره می‌کند که از میان آثار شکسپیر علاقه فراوانی به «ریچارد دوم» دارد. او می‌گوید: «سقوط ریچارد دوم در دیوانگی پس از اینکه از حق ویژه و موروثی سلطنتی محروم می‌شود» به خوبی روایت شده است و «ریچارد دوم، به تدریج از اقتدار و هویت نمادین شاهانه خود محروم می‌شود، و به نقطه‌ای از دیوانگی تنزل پیدا می‌کند که دیگر چیزی برای تکیه کردن به آن ندارد.» این سقوط فردی قدرتمند به ورطه جنون، برای ژیژک، از نظر روانکاوی و مسائل سیاسی بسیار مورد توجه است زیرا او اعتقاد دارد: «در پایان ریچارد دوم، قهرمان، تسکین غیرمنتظره‌ای در موسیقی می‌یابد و تماما خودش را با آن ریتم یکی می‌کند.» ژیژک تاکید دارد که «این موقعیت محدودشده حداکثری، فقط مرحله‌ای از نابودی یا انهدام کلی نیست؛ بلکه همزمان، فرصتی منحصربه‌فرد برای آغازی نو است.» فرصتی نو برای انسانی ویران و تباه شده که می‌تواند آغازی تازه را رقم بزند و تنها بحث نابودی‌اش مطرح نیست. بیایید تلاش کنیم نگاهی به نمایشنامه ریچارد دوم بیندازیم. این اثر توسط احمد خزاعی در سال ۱۳۶۲ به فارسی برگردانده شده است که البته احتیاج به بازنگری دارد. با این وجود، نخست باید به نکته‌ای بسیار مهم درباره مضمون و مفهوم درام‌اتورژی در تئاتر اشاره کنم. برخی کارگردانان به منظور ارائه مفهومی از تاریخ اکنون خود دست به انتخاب متن می‌زنند. این متن‌ها معمولا مفاهیمی را حمل می‌کنند که تماشاگر اکنون با آنها ارتباط می‌گیرد به عنوان مثال آنتون چخوف در آخرین کار خود به سراغ کاری به نام «باغ آلبالو» رفت که مورد توجه استانیسلاوسکی و داوچنکو- دو کارگردان بزرگ دست به گریبان هستند. به نظر می‌رسد نمایشنامه «ریچارد دوم» خیلی کم مورد مطالعه قرار گرفته باشد زیرا این نمایشنامه تا آنجایی که اطلاع دارم در سال‌های گذشته تنها یک بار با نگاهی به مفاهیم کارناوال گرایی در آثار شکسپیر توسط مهدی کوشکی طراحی و دراماتورژی شده است. اجرایی به شدت فرمال و متفاوت از متن اصلی که در یکی از سالن‌های کوچک خصوصی به صورت کارگاهی اجرا شد.

شکسپیر افرادی را نشان می‌دهد که در میانه «دوراهی حاداخلاقی» (Dilemma) گیر کرده‌اند ولی شخصیت‌هایی هم دارد که در برآورده کردن نیاز و هدف اصلی خود مصمم هستند. این خودش کشمکشی بنیادی در آثار شکسپیر رقم می‌زند

ساختار و مفاهیم «ریچارد دوم» شکسپیر

پرده اول نمایش در لندن و در یکی از تالارهای قصر آغاز می‌شود. «ماوبری» و «بالینبروک»، هر کدام دیگری را در برابر شاه به خیانت متهم می‌کنند. شاه هم نشسته و از صحبت‌های آنان در قبال خویش لذت می‌برد زیرا آنان تلاش می‌کنند با کمال شاعرانگی از شاه تعریف کنند و دیگری را متهم. بالینبروک می‌گوید که ماوبری پول‌های بسیاری گرفته ولی در اصل اختلاس کرده است. حتی او بوده که توطئه‌هایی طرح کرده و نقشه مرگ دوک گلاستر را کشیده است. دیگری هم اتهام‌هایی درباره خیانت وارد می‌کند ولی پادشاه می‌گوید: «بیایید این خشم را بدون خونریزی فرو بنشانیم... فراموش کنید، ببخشید و خشمتان کنید.» ماوبری مقاومت می‌کند و می‌گوید: «نیزه زهرآگین افترا تا عمق روحم را شکافته است... شهریار من بگذار شرفم را به آزمون بگذارم.» پادشاه وقتی مقاومت هر دو طرف را می‌بیند چنین پاسخ می‌دهد: «از آنجا که نمی‌توانم سازشتان بدهم، عدالت بر شرافتمندی فرد پیروزمند حکم خواهد کرد.» این همان ماجرای دوئل و نبرد تن به تن است که تا مدت‌ها فرهنگ پیشامدرن را شکل داده بود یعنی دو طرف برای اعاده حیثیت و بازگرداندن آبرو باید بجنگند. کنش دراماتیک از اینجا شتاب می‌گیرد و در صحنه دوم وارد خانه «جان گانت» پیر می‌شویم. «دوشس گلاستر» که بیوه شده است می‌گوید: «باشد که ستم‌های رفته بر شویم برنیزه‌هرفورد (بالینبروک) بنشیند و سینه ماوبری خونخوار را بشکافد.» در این صحنه افشا می‌شود که قاتل اصلی گلاستر خود ریچارد بوده است و اشاره‌های فراوانی نیز به انجیل می‌شود که روحیه مذهبی آنان را نشان می‌دهد. صحنه سوم، صحنه نبرد در کاونتری است. ریچارد آنها را محکوم به تبعید می‌کند ولی مجبور شان می‌کند تا سوگند بخورند همدیگر را به قصد توطئه علیه او نبینند.

ریچارد، بالینبروک را که پسر عمویش یعنی پسر گانت پیر است به شش سال تبعید محکوم می‌کند. در صحنه چهارم به دربار شاه می‌رویم جایی که ریچارد می‌گوید انگار که بالینبروک انگلستان را میراث قانونی خود می‌دانست. خبر می‌رسد که گانت پیر بیمار شده است و ریچارد دعا می‌کند تا او زودتر بمیرد تا پول‌هایش را بگیرد. حالا دیگر وارد پرده دوم می‌شویم. شکسپیر به خوبی در پرده اول تمام ماجرا را افشا می‌کند. کشمکش‌های اصلی و شخصیت‌های محوری و فضا را معرفی می‌کند و درامی قدرتمند را اقوام می‌دهد. شکسپیر از تکنیک روایت «از میانه داستان» (Inmediasres) بهره می‌گیرد. یعنی رویدادی مهم در ابتدای نمایش شکل می‌گیرد که همه چیز را به «پیش داستان» مربوط می‌کند. این تکنیک بعدها توسط هنریک ایبسن به اوج می‌رسد. صحنه اول پرده دوم در قصر الی است. گانت پیر می‌خواهد به شاه جوان پند بدهد ولی همه می‌دانند که «پند در گوش او یکسره باد است.» شکسپیر افرادی را نشان می‌دهد که در میانه «دوراهی حاداخلاقی» (Dilemma) گیر کرده‌اند ولی شخصیت‌هایی هم دارد که در برآورده کردن نیاز و هدف اصلی خود مصمم هستند. این خودش کشمکشی بنیادی در آثار شکسپیر رقم می‌زند. گانت به ریچارد می‌گوید: «این تویی که می‌میری گرچه منم که بیمارترم.» این جمله خبر از آینده درام می‌دهد که از تکنیک‌های شکسپیر است مانند پیشگویی جادوگران در «مکبث» و پیش‌گویی زنی در «ژولیوس سزار». گانت جمله‌ای سخت برنده می‌گوید: «اکنون که قلمروت تنها همین سرزمین است، آیا به ننگ آلودن آن بالاترین ننگ نیست؟» و ریچارد پاسخ می‌دهد: «ابله دیوانه تکیده عقل». یورک به ریچارد هشدار می‌دهد که نباید قانون را زیر پا بگذارد و اموال گانت و پسرش را که فامیل سلطنتی او هستند ضبط کند ولی شاه چنین می‌کند و در اینجاست که اشراف تصمیم به توطئه‌چینی و سرنگونی ریچارد می‌گیرند. بالینبروک در پرده سوم وارد می‌شود و قدرت را در دست می‌گیرد و افراد وفادار ریچارد را یکی پس از دیگری به اعدام در برابر مردم محکوم می‌کند. سقوط وفاداران ریچارد پیش‌درآمدی بر سقوط قدرت ریچارد است. در صحنه چهارم پرده سوم یکی از زنانه‌ترین نوشتارهای شکسپیر را شهد هستیم که کولریج آن را «جزیره آرامش» نامیده است. پرده چهارم، سراسر درباره انتقام، خشم، تهمت، بهتان و درگیری است. در واقع تمام اشراف و درباریان در برابر یکدیگر صف بسته‌اند. اینجاست که بالینبروک می‌گوید: «به نام خدا، به تخت شاهانه جلوس خواهم کرد.» پس از آن، کارلایل پیش‌بینی می‌کند: «جنگ‌های آشوبگرانه خویشاوند را به دست خویشاوند، و هم‌وطن را به دست هم‌وطن بلند» به کارگردانی علی شمس، «رویای شب نیمه تابستان» و «رومولیت» به کارگردانی مصطفا کوشکی، «پراتور نسل چهارم» به نویسندگی و کارگردانی باقر سروش و «شیطونی» کاری از مهدی کوشکی را اکران کرده است.

بازگشت دانشجوها به مولوی

تالار مولوی نیز اجراهای خود را با نمایش‌هایی از سر گرفته که با کرونا دچار نقصان در اجرا شدند. از جمله نمایش «پنهان خانه پنج‌در» نوشته حسین کیانی و به کارگردانی آرش فلاحت پیشه. نمایش همانند بیشتر کارهای حسین کیانی در فضای تاریخی سپری می‌شود و در خلاصه‌اش آمده است «درس اول این بود که نترسید از آنچه با آن می‌ترسانند، در زمانه‌ای که آگاهی برای زنان جرم محسوب می‌شد عطری جان منزل خود را وقف آموزش و تحصیل زنان کرده که مردان، شوهران، گزمه‌ها و در آخر بیگانگان و مغول‌ها بر آنها وارد می‌شوند و هر بار به ترفندی باید ایشان را مغلوب سازند.» گروه بازیگری این نمایش متشکل از کوشا ابراهیمی، مریم بهشتی، حمید باهوش، علیرضا رشیدی، مائده شهوازیان، سارا علاقمند، سارا فتحی، آیدا نوروزی است که تا ۱۵ تیرماه در سالن اصلی تالار مولوی روی صحنه خواهند بود. علیرضا اخوان هم با نمایش «بر شلوارپوش» در تالار کوچک روی صحنه می‌رود. نمایش مونولوگی است با بازی شخص اخوان که در طی آن بازیگری در اتاقش برای جنازه معشوقه‌اش تئاتر اجرا می‌کند. قرار است از ششم تیرماه نیز مهیار جوادی‌ها نمایش «و همیشه پاییز» را با بازی آبان حسین آبادی و یکتا طبیبی در سالن اصلی تالار مولوی روی صحنه برد تا به نظر رسد تئاتر و کرونا با هم کنار آمده‌اند.

راه‌اندازی مجموعه تخصصی تئاتر در باغ کتاب تهران

البته دوران کرونا صرفاً به بازگشایی ختم نمی‌شود. برای مثال تماشاخانه ایرانشهر اعلام کرده است با وجود اعلام وزارت ارشاد صرفاً بخش اداری‌اش را فعال کرده و هیچ اجرایی تا پایان شهریور روی صحنه نمی‌برد. به نظر می‌رسد گروه‌های در نوبت حاضر به پذیرش ریسک برای اجرا در ایرانشهر نیستند تا سالن فعال شهرداری تهران این روزها چراغش خاموش باشد. از سوی دیگر، مجموعه تئاتر و موسیقی باغ کتاب شامل ۲ فضای تئاتری و موسیقایی به همراه یک استودیوی موسیقی در فضای باغ کتاب تهران راه‌اندازی شده است. روابط عمومی مجموعه جدید گفته است در راستای ساخت و ایجاد فضاهای تخصصی و حرفه‌ای هنری، مجموعه تئاتر و موسیقی باغ کتاب برای استفاده هنرمندان و فعالان در این عرصه‌ها شکل گرفته است. این مجموعه دارای یک سالن قاب صحنه‌ای با ظرفیت ۲۶۰ صندلی و یک بلک باکس با ظرفیت ۱۵۰ صندلی با کاربری تئاتر و موسیقی و یک استودیوی موسیقی به مساحت ۱۰۰ متر مربع، همگی با تمرکز بر آکوستیک طبیعی است. همچنین کلیه فضاهای تخصصی این مجموعه دارای هویت بصری و صوتی مشترک هستند. طراحی آکوستیک سالن‌ها و استودیو توسط ارد انزابی‌پور انجام شده و طراحی، ساخت و بهره‌برداری از این فضای فرهنگی و هنری بر عهده مجموعه «دِکُر پارس» است.

ریچارد در نهایت با غمی سنگین حرف‌هایی درباره مرگ می‌زند و می‌میرد: «عروج کن، عروج کن، روح من! جایگاه تو بر فراز آسمان است». این شاه غمناک در صحنه پایانی با موسیقی و شعر لحظه‌های خودراسپری می‌کند که این یک بازنمایی یکتا در کارهای شکسپیر است

نابود خواهد کرد. نابسامانی، وحشت، هراس و شورش در اینجا سکنا خواهند گزید.» ریچارد به پیش بالینبروک می‌رود و جمله‌ای عجیب به خیانتکاران می‌گوید: «یهودا نیز با مسیح چنین کرد. اما مسیح از دوازده تن، جز یک تن، همه را وفادار یافت؛ و من از دوازده هزار تن، هیچ.» این هیچ ما را یاد گفتار مشهور شاه‌لیر هم می‌اندازد: «از هیچ، هیچ زاده می‌شود.» شکسپیر بارها با کلمه هیچ در آثارش بازی کرده است. ریچارد در ادامه با غم فراوان و هراس در پاسخ به بالینبروک مبنی بر اینکه «آیا سر آن داری که از تاج و تخت کناره بگیری؟» می‌گوید: «آری، نه... آری یعنی اینکه باید هیچ شوم؛ با اینهمه نه هم یعنی اینکه به تو تن در می‌دهم.» پس ریچارد تاج و تخت را واگذار می‌کند. در ادامه نیز داستان غم، بدبختی و تنهایی او را خواهیم دید. نکته جالب اینجاست که پرده پنجم، خیابانی در لندن را نشان می‌دهد بر خلاف پرده اول که قصری در لندن بود. ریچارد و ملکه در خیابان خداحافظی تلخی را سپری می‌کنند. ملکه در نهایت بر «خلع شهریاری بر حق» تاکید دارد. ریچارد نیز بسیار غم‌گین است و می‌گوید: «تو برای من در فرانسه اشک بیفشان، من برای تو در اینجا.» صحنه پنجم از پرده پنجم در زندان روایت می‌شود. ریچارد می‌گوید: «در اندیشه بوده‌ام که چه‌سان این زندان را که در آن می‌زیم با جهان مقایسه کنم.» او مدام نیز بر «هیچ» بودن خویش در یک «مونولوگ» (تک‌گویی) طولانی پافشاری می‌کند. اینجاست که ریچارد صدای یک موسیقی را می‌شنود. شاه در زندان و با شنیدن موسیقی و تحمل رنج فراوان متوجه می‌شود که باید با دیگران بهتر رفتار می‌کرد زیرا او به مهتر اصطبل می‌گوید: «همسفر شریف.» قاتلان در پایان برای کشتن ریچارد می‌آیند و او را با ضربتی از پای درمی‌آورند و ریچارد در نهایت با غمی سنگین حرف‌هایی درباره مرگ می‌زند و می‌میرد: «عروج کن، عروج کن، روح من! جایگاه تو بر فراز آسمان است». این شاه غمناک در صحنه پایانی با موسیقی و شعر لحظه‌های خود را سپری می‌کند که این یک بازنمایی یکتا در کارهای شکسپیر است.

پایان کرونا برای تئاتر

احسان زیورعالم

از یکم تیرماه قرار بر آن شد جهان نماش در ایران، با ابزارهای تنفسی و احیای قلب، کار خود را از سر گیرد. با اینکه مدام از شرایط قرمز در چند استان و شهر گزارش ارسال می‌شود؛ اما توافق وزارت بهداشت و وزارت ارشاد بر این بوده با توجه به پروتکل مصوب شورای مبارزه با کرونا فعالیت تماشاخانه‌ها با پنجاه درصد ظرفیت فعال باشند. هر چند سعید اسدی، مدیریت تئاتر شهر در برنامه «تقاطع فرهنگ» در رادیو گفتگو اعلام کرد شاید شرایط به نحوی باشد که بار دیگر تماشاخانه‌ها تعطیل شوند. به عبارتی شرایط در یک وضعیت پایدار قرار ندارد. همین طور چند هنرمند در واکنش به بازگشایی تماشاخانه‌ها از هراس‌هایشان گفته‌اند. اینکه حضور در سالن‌های نمایش ممکن است جان همکارانشان را به خطر بیاندازد. با این حال تماشاخانه‌ها با شرایط بد مالی کنونی تصمیم به بازگشایی گرفته‌اند و در روزهای اخیر چند نمایش پس از چهار ماه چراغ‌دار تئاتر ایران شده‌اند و چند نمایش نیز خود را در فهرست انتظار سالن‌ها می‌بینند. برای مثال میلاد نیک آبادی در تازه‌ترین تجربه کارگردانی خود نمایش «پانک راک» نوشته سایمون استیونز را به صحنه می‌برد. تمرین‌های نمایش حدود یک ماه است که با در نظر گرفتن پروتکل‌های بهداشتی و همراهی تعدادی از بازیگران مورد نظر کارگردان آغاز شده و همچنان ادامه دارد؛ اما اکنون بیشتر توجهات به نمایش‌های روی صحنه است.

بازگشت به کافه پولشری

نمایش «کافه پولشری» به کارگردانی الهام پاوه‌نژاد قرار است در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رود، نمایشی که پیشتر هم در این پردیس تئاتری اجرا شده بود. نمایشنامه تک‌نفره آلن وتز و با ترجمه متن اصغر نوری، با بازی شخص پاوه‌نژاد روی صحنه می‌رود. «کافه پولشری» پیش از این در سال‌های ۹۶ در مجموعه تئاتر شهر و در ۹۷ در پردیس تئاتر شهرزاد و خانه موزه استاد انتظامی روی صحنه رفته بود. علاوه بر این، نمایش در سال ۹۸ نیز تور اجرای کشور استرالیا در شهرهای «بریزبین»، «ادلاید»، «ملبورن» و «سیدنی» اجرا شده است و در «کافه پولشری» ماجرای زنی روایت می‌شود که به تنهایی مدیریت یک کافه را برعهده دارد و همزمان خاطرات و فراز و فرودهای زندگی‌اش را با تماشاگر به اشتراک می‌گذارد.

تئاتر شهر با یک نمایش

اولین نمایش تئاتر شهر در سال ۱۳۹۹ از روز سه‌شنبه دهم تیرماه روی صحنه رفته است. نمایش «یه گاز کوچولو» به نویسندگی فرزانه سهیلی و کارگردانی فقیهه سلطانی در تالار سایه تئاتر شهر میزبان مخاطبان شده‌است. این نمایش ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۹۸ در تالار سایه تئاتر شهر روی صحنه رفت؛ اما به دلیل شیوع ویروس کرونا اجراهایش متوقف شد.

تئاتر شهر اعلام کرده است این مجموعه با گروه‌هایی وارد مذاکره شده است که اجرای آثار نمایشی آنها از روزهای پایانی سال ۹۸ برای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا متوقف شده بود. گویا روند مذاکره و هماهنگی با سایر گروه‌های نمایشی از جمله آثار آتیلا پسیانی و افسانه ماهیان همچنان ادامه دارد، نمایش‌هایی که پیش از تعطیلی از آثار پرمخاطب تئاتر کشور به حساب می‌آمدند. در «یه گاز کوچولو» گیلدا حمیدی، شهروز دل‌افکار، افشین غیاثی، مهسا مهجور و نورا هاشمی ایفای نقش می‌کنند.

تعبیر «کابوس‌های مرد مشکوک» در تماشاخانه سنگلج

نمایش «کابوس‌های مرد مشکوک» به کارگردانی ملیکا رضی از سوم تیرماه مجدداً در سنگلج روی صحنه رفته است، نمایشی که اجراهایش در ماه اسفند سال گذشته و پیش از شیوع ویروس کرونا در تماشاخانه سنگلج آغاز شده بود. قرار است به مدت دو هفته این نمایش ایرانی با حال‌وهوای تاریخی در سنگلج اجرا شود. نمایشنامه محمدحسین ناصربخت با حضور بازیگرانی چون امین اکبری نسب، خدایار کاشانه، پیمان یاقوتی، فاطمه نصرتی، امیررضا جلالی، کوروش رخشنده‌پی و امیر حسین حجتی اجرا می‌شود.

تئاتر مستقل و پرکاری‌های پساکرونایی

فعالیت رسمی «تئاتر مستقل تهران» در سال جدید با اجرای نمایش‌های «است» و «یازده جریحه روح» از روز یکشنبه اول تیرماه آغاز شد. نمایش «است» به کارگردانی پرنیا شمس و با بازی پروانه ذابح، یاسمن رسولی، ترانه یوسفی، شادی صفشکن، مهتاب کریمی، صدف ملکی، ماهور میرزانژاد، پیش از شیوع کرونا نیز در تماشاخانه مستقل روی صحنه رفته بود، نمایشی که اولین تجربه اجراییش را در تالار مولوی رقم زده بود.

نمایش «یازده جریحه روح» به کارگردانی فرزاد امینی براساس یازده داستان کوتاه مجموعه «سه قطره خون» اثر صادق هدایت نوشته شده که از سه‌شنبه سوم تیرماه در مستقل روی صحنه رفت. مهدی بازدار، نازنین زهرا برومند، محمد پسندیده کار، سروش حائری، آزیتا رحیمی، فرزانه فرجی، نیلوفر فولادی، مونا کریمی، کیانا کریم‌پور، مهربان کشاورزی و رضا میرجلیلی در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند. «تئاتر مستقل تهران» پیش از این نیز فعالیت غیررسمی خود را با اکران فیلم آثار اجرا رفته در این مجموعه فرهنگی و برپایی جلسه‌های نمایشنامه‌خوانی در «کافه بام مستقل» آغاز کرده بود و بر این اساس تاکنون نمایش‌های «شب دشنه‌های